

## موضع شاه در برابر ملی شدن نفت

۱۴ تیر ۱۴۰۰ ساعت ۲۲:۴۱

شاه خاطره تلخ عزل پدرش توسط انگلیسی‌ها را از یاد نبرده بود و خوب به یاد داشت که انگلیسی‌ها درصدد بودند ابتدا یکی از اعضای خاندان قاجاری را به تخت سلطنت بنشانند؛ اما با این حال محمدرضای جوان به این موضوع هم واقف بود که برای تقویت قدرت سیاسی خود چاره‌ای جز تکیه به انگلیس ندارد.

موضوع شاه و دیدگاه او نسبت به ملی شدن نفت، از جمله موضوعاتی است که کمتر بدان توجه شده است. شاید یکی از علل این کم‌توجهی مشخص نبودن مواضع شاه در قبال این رویداد سیاسی باشد. هر چه که هست واقعیت آن است که این وضعیت مبهم باعث شده است تا دیدگاه‌های رایج پیرامون موضع شاه نسبت به ملی شدن نفت حول دو دیدگاه اساسی بچرخد. دیدگاه اول که معتقد است شاه هیچ مخالفتی با ملی شدن نفت نداشت و حتی از آن حمایت می‌کرد و دیدگاه دوم که عنوان می‌کند شاه یکی از مخالفان سرسخت ملی شدن نفت بود. از آنجا که نگارنده با دیدگاه دوم همراه است، در ادامه با ارائه برخی از شواهد تاریخی به تبیین این موضوع پرداخته است.

### وضعیت سیاسی شاه در دهه ۳۰

برای پاسخ به اینکه موضع شاه نسبت به ملی شدن نفت چه بود، چاره‌ای نیست جز آنکه جایگاه قدرت او و تعاملاتش با سلسله مراتب قدرت را در نظر بگیریم. در این رابطه واقعیت آن است که شاه بعد از آنکه قدرت را قبضه کرد، قدرت چندان زیادی نداشت و این موضوع برای او بسیار ناخوشایند بود. در واقع محمدرضا نیز به مانند پدرش «هیچ نوع انعطاف‌پذیری برای اقدامات و انجام تغییرات در ساخت قدرت بسته سیاسی خود که مشارکت و انتقادپذیری را تشویق و ترغیب کند، نداشت»<sup>۱</sup> بر اساس این ویژگی شخصیتی، طبیعی بود که شاه از هر فرصتی برای افزایش قدرت خود استفاده نماید. از این رو به استناد اسناد تاریخی شاهدیم که او بارها و به بهانه‌های مختلفی همچون کسب حق انحلال مجلسین و حذف مخالفانی چون حزب توده تلاش کرد تا قدرت خود را افزایش دهد، اما موفق نشد. فهم این موضوع از آنجا حائز اهمیت است که اولاً شاه به دنبال افراد، گروه و حتی کشورهایی بود که به افزایش قدرت او کمک کند، ثانیاً از قدرت‌یابی افرادی که در مقابل قدرت او و حامیانش قرار داشتند ممانعت می‌نمود. در رابطه با مورد اول می‌توان انگلیس را یک متحد خوب و قوی دانست که در راستای تقویت قدرت شاه قرار داشت.

### حمایت انگلیس از شاه

شاه خاطره تلخ عزل پدرش توسط انگلیسی‌ها را از یاد نبرده بود و خوب به یاد داشت که انگلیسی‌ها درصدد بودند ابتدا یکی از

اعضای خاندان قاجاری را به تخت سلطنت بنشانند؛ اما با این حال محمدرضای جوان به این موضوع هم واقف بود که برای تقویت قدرت سیاسی خود چاره‌ای جز تکیه به انگلیس ندارد. از همین رو شاهدیم «شاه که روز ۲۷ تیر ۱۳۲۷ به لندن رفته بود در مدت اقامت خود با شخصیت‌های مختلف انگلیسی ملاقات کرد و توانست حمایت آنان را در زمینه‌های مختلف از جمله ضرورت افتتاح مجلس سنا و تاسیس مجلس موسسان برای تغییر قانون اساسی که هر دو تهدیدکننده اقتدار سیاسی وی بود حل مسئله نفت به صورتی که منافع انگلستان تهدید نشود».<sup>۲</sup> طبیعی‌ست در چنین شرایطی شاه نیز مدافع منافع خاص انگلیس یعنی اصل ملی شدن نفت باشد، زیرا این اصل منافع انگلیس و حضور او در کشور را با مشکلاتی همراه می‌ساخت.

### حذف مخالفان خود و حامیان ملی شدن نفت

مطابق با شواهد تاریخی، شاه تلاش زیادی کرد تا حامیان ملی شدن نفت را به انحاء گوناگون حذف نماید. مصدق و آیت‌الله کاشانی از جمله این افراد بودند. مصدق رهبر اصلی جریان ملی شدن نفت بود. جریانی که نه تنها در تضاد با منافع حامیان شاه یعنی انگلیس و قدرت‌های غربی قرار داشت بلکه رهبر آن یعنی شخص مصدق نیز در برابر قدرت شاه قرار گرفته بود. به طور کلی مصدق از نظر سیاسی معتقد به شاه مشروطه بود. او در خاطرات خود آورده است که یک بار به حضور شاه رفت و عنوان نمود «از دوره چهارم تقنینیه که دولت وثوق رسماً در انتخابات دخالت کرد و عده‌ای را برای تصویب قرار داد تحت الحمایگی ایران تعیین نمود نظر من همیشه این بوده تا انتخابات آزاد نشود و مردم وکلای خود را انتخاب نکنند از وضعیت مملکت بهتر نخواهد بود و مردم هیچ وقت روی آزادی و استقلال را نخواهند دید».<sup>۳</sup>

طبیعی بود شاه با توجه به خصوصیات سیاسی خود با مصدق و سیاست‌های او مخالف باشد. البته شاه در کتاب خود «پاسخ به تاریخ» آورده بود «به خاطر اهداف مصدق و اینکه او می‌خواست نفت ایران را از سلطه انگلیس‌ها برهاند، سختی‌های اقتصادی فراوانی بر ما تحمیل شد».<sup>۴</sup> علاوه بر این در ماجرای ترور ناکام شاه که در دانشکده حقوق در سال ۱۳۲۷ رخ داد، شاهد هستیم که ضارب در همان لحظه به قتل می‌رسد؛ اما کوچکترین آسیبی به شاه وارد نمی‌شود. با این حال شاه از این جریان بهانه لازم را به دست آورد و به دستگیری مخالفان انگلیس و ملی شدن نفت پرداخت. به عبارتی در آن دوره دو جریان مخالف در مقابل سیاست انگلیس وجود داشت که یکی از آنها حزب توده بود که در راه تجدید سازمان و تقویت بعد از حوادث آذربایجان و قضایای نفت شمال، از نفوذ خوبی برخوردار شده بود و دیگری جناح مذهبی آیت‌الله کاشانی که در این تاریخ فعالیت گسترده‌ای داشت و حبس و تبعید مکرر بر نیروی او افزوده بود.<sup>۵</sup>

آیت‌الله کاشانی هم یکی از رهبران اصلی ملی شدن نفت بود که پا به پای دکتر مصدق به تشویق مردم به مبارزه جهت ملی شدن نفت پرداخت. او چند روز قبل از این تیراندازی اعلامیه شدیدالحنی علیه انگلیس و شرکت‌های نفت و دولت‌های دست‌نشانده آنان در ایران صادر کرده بود و مردم را به یک مبارزه همگانی دعوت نموده بود بنابراین عکس‌العمل تیراندازی به شاه متوجه همین دو جهت بود. عکس‌العملی که در نهایت باعث دستگیری بسیاری از اعضای حزب توده شد و از سویی تبعید آیت‌الله کاشانی به لبنان را به دنبال داشت. بر اساس استدلال‌هایی که شد دیدگاه اول که معتقد بود شاه هیچ مخالفتی با ملی شدن نفت نداشت، به خودی خود باطل می‌شود.

سخن نهایی

شاه به خوبی می دانست که تنها شانس او برای باقی ماندن در تخت سلطنت، حذف رقبایی چون دکتر مصدق و حامیان ملی شدن نفت است. در غیر این صورت باید به مانند یک پادشاه مشروطه سلطنت می کرد. از این رو علیرغم آنکه هیچگاه صراحتاً مخالفت خود را با ملی شدن نفت اعلام نکرد؛ اما در عمل سیاست‌هایی همسو با سیاست‌های انگلیس را اتخاذ نمود.

فهرست منابع

۱. علیرضا ازغندی، نخبگان سیاسی ایران بین دو انقلاب، تهران، نشر قومس، چاپ سوم، ۱۳۸۵، ص ۱۱۶.
  - علیرضا ازغندی، روابط خارجی ایران ۱۳۲۰-۱۳۵۷، تهران، نشر قومس، چاپ ششم، ۱۳۸۴، ص ۱۶۳.
  - محمد مصدق، خاطرات و تألمات دکتر مصدق، به کوشش دکتر ایرج افشار، تهران، انتشارات محمدعلی علمی، ۱۳۶۴، ص ۲۵۷.
  - محمد رضا پهلوی، پاسخ به تاریخ، ترجمه حسین ابوترابیان، تهران، مترجم، چاپ سوم، ۱۳۷۲، ص ۱۳۲.
  - سیدجلال‌الدین مدنی، تاریخ سیاسی معاصر ایران، جلد ۱، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ هفدهم، ۱۳۹۱، ص ۳۴۱.
- همانجا.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/48412/نفت-شدن-ملی-برابر-شاه-موضوع>